

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۷

هزار و سیصد و هشتاد و نه - نیمسال اول

مقالات

توصیف خواسته در قانون و رویه قضایی • اصول بنیادین حاکم بر کنوانسیون ارتباطات الکترونیکی
آنسیترال • مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در قوانین کیفری • شناسایی در حقوق بین‌الملل: آثار حقوقی
شناسایی کوزوو، اوستیای جنوبی و آبخازیا • اصول حاکم بر تعارض ادله اثبات دعوا • جلوه‌های
حقوق بین‌الملل کیفری در خاورمیانه؛ از محاکمه صدام تا محاکمه عاملان ترور رفیق حریری

موضوع ویژه: بورس اوراق بهادار در حقوق ایران و کشورهای دیگر

مبانی و اصول تعهد به دادن اطلاعات در بورس • مطالعه تطبیقی ممنوعیت‌های دارندگان اطلاعات
نہانی در رابطه با معاملات اوراق بهادار • تحلیل جرم معامله متکی بر اطلاعات نہانی • مبارزه با
تقلب در بازارهای اوراق بهادار؛ نگاهی به نظم حقوقی بازار اوراق بهادار در ایالات متحد آمریکا •
بررسی آراء قضایی صادره در خصوص معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات نہانی • مسؤولیت
مدنی کارگزاران بورس و فرایند طرح دعاوی مرتبط در مراجع صالحه • مسؤولیت کارگزاران در
معاملات فضولی اوراق بهادار با تکیه بر رویه هیأت داوری • نقش صکوک در تأمین مالی پروژه‌ها و
تأملی بر قوانین و مقررات حاکم بر آن • داوری اختلافات در بازار اوراق بهادار • ماهیت حقوقی و
صلاحیت‌های هیأت داوری بازار اوراق بهادار • قواعد حاکم بر تشکیل شرکت‌های سهامی عام در پرتو
قانون بازار اوراق بهادار • آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر خدمات بورس
اوراق بهادار • ادغام فرامرزی بازارهای بورس سهام و اوراق بهادار: توهم یا واقعیت؟

نقد و معرفی

ملاحظات پیرامون «نظریه مشورتی کوزوو» • بررسی جرم تجاوز در کنفرانس بازنگوری اساسنامه
دیوان کیفری بین‌المللی • نقدی بر قانون جدید بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه
• علائم تجاری غیرسنتی • قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت: بازتابی نبرد حق و قدرت در جهان
نامتحد • ششمین دوره مسابقات شبیه‌سازی دیوان کیفری بین‌المللی





جلوه‌های حقوق بین‌الملل کیفری در خاورمیانه از محاکمه صدام تا محاکمه عاملان ترور رفیق حریری

یلدا مظفریان*

چکیده: به محاکمه کشیده شدن جنایتکاران همواره آرمان جامعه بشری بوده است. در این راستا رعایت اصول مورد توجه در حقوق بین‌الملل کیفری بسیار اهمیت یافته است. این امر حاکی از ضرورت رعایت اصول یک دادرسی عادلانه می‌باشد و این اصول با موازین حقوق بشر گره خورده است. محاکمه سران حزب بعث و عاملان ترور رفیق حریری به عنوان مهمترین محاکماتی که در سالهای نخستین قرن بیست و یک انجام می‌گیرد، نیز نیازمند رعایت اصول مذکور است. روشی که در تدوین اساسنامه‌های دادگاه عالی عراق و دادگاه ویژه لبنان به کار گرفته شده، حاکی از تأثیر شگرف ادبیات حقوق بین‌الملل کیفری حتی در میان کشورهای خاورمیانه است که نظام داخلی حقوقی‌شان بر مبنای قواعد اسلامی پیاده شده است. این در حالی است که رسیدگی به جنایات بین‌المللی و تروریسم در این نقطه از جهان تا پیش از این بی‌سابقه بوده است، این امر حاکی از فراگیر شدن حقوق بین‌الملل کیفری در اقصی نقاط جهان می‌باشد.
کلیدواژه‌ها: حقوق بین‌الملل کیفری، دادگاه عالی کیفری عراق، دادگاه ویژه لبنان، اصول دادرسی عادلانه

مقدمه

نخستین سالهای قرن ۲۱ با محاکمه بزرگترین جنایتکاران در سرتاسر جهان همراه بوده است. از این روست که شاید بتوان این قرن را زمان به ثمر رسیدن تلاشهای بی‌وقفه جامعه جهانی دانست که از یک سو در جهت ارتقاء حقوق بشر گام بر می‌دارد و از سوی دیگر در صدد است مفهوم ارزشمند عدالت را با به دست دادن مصادیقی هر چه بیشتر غنا بخشد تا بدین ترتیب آرمان عدالتخواهی همچون مترسکی از کاه و چودن نباشد و به ظاهری بسنده نکند بلکه در عمل نیز مؤثر واقع گردد و دامنگیر کسانی شود که چه بسا سالها از چنگالش گریخته‌اند. لازم‌الاجرا شدن

* کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل persian_1360@yahoo.com

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۰۲، تأسیس دادگاه‌های مختلط از جمله در سیرائون در سال ۲۰۰۰ و در کامبوج در سال ۲۰۰۲، تأسیس دادگاه عالی کیفری عراق در سال ۲۰۰۵ و محاکمه سران بعث و در رأس آنان صدام حسین، بازداشت رادوان کارادزیچ یکی از متهمان جنایات جنگی در یوگسلاوی سابق و آغاز رسیدگی‌های مقدماتی به اتهاماتش در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در سال ۲۰۰۸، صدور نخستین کیفرخواست علیه رهبر سودان عمرالبشیر و آغاز محاکمه خمرهای سرخ در شعب فوق‌العاده در کامبوج در سال ۲۰۰۹ و آغاز به کار دادگاه ویژه لبنان برای محاکمه عاملان ترور رفیق حریری و ۲۲ تن دیگر در همین سال در حومه شهر لاهه شاهی بر این مدعاست. در این میان جامعه جهانی مسئولیتی سنگین را بر عهده دارد چرا که باید نهایت تلاش خویش را در جهت انجام محاکمه عادلانه کسانی به کار بندد که خود بزرگترین عاملان کشتار و ناقضان حقوق بشر در سرزمین خود و یا بیرون از آن بوده‌اند.

آنچه در این میان بسیار پر اهمیت جلوه می‌کند این که دادگاه‌های اخیر با ماهیتهای متفاوت در یک ویژگی مشترکند؛ تأثیر شگرف ادبیات حقوق بین‌الملل کیفری، خود را در اساسنامه این دادگاه‌ها به روشنی جلوه گر ساخته است؛ از دیوان کیفری بین‌المللی که تنها نهاد دائمی کیفری بین‌المللی است تا دادگاه عالی عراق که مرجعی ملی است، از دادگاه ترکیبی کامبوج که هر دو ویژگی ملی و بین‌المللی در آن به هم گره خورده تا دادگاه ویژه لبنان که ماهیتی ترکیبی دارد- اما از اندک تفاوت‌هایی با سایر مراجع برشمرده شده نیز برخوردار است- در مواد مختلف اصول مورد توجه حقوق بین‌الملل کیفری از جمله ضرورت رعایت اصل بی‌طرفی و استقلال قضات، ضرورت رعایت حقوق متهم تا اصل مسئولیت کیفری فردی ... پیش‌بینی شده است. نکته اخیر از این حیث قابل توجه است که دیگر زمان محاکمات خودسرانه به سر آمده و همگان به ویژه دولت‌مردان بیش از پیش در برابر افکار عمومی در جهان موظفند تا اصول و هنجارهای مورد نظر حقوق کیفری در جهان را که دستاورد سالها کوشش است، حتی در طی محاکمات ملی محترم شمارند. این روند در جهان نویدبخش آینده‌ای روشن است تا محاکمات ظاهری و سیاسی را کمتر شاهد باشیم. اینکه در عمل پایبندی به این اصول و هنجارها تا چه اندازه باشد آزمونی است حاکی از اینکه تلاش‌های جامعه جهانی در این زمینه تا چه اندازه به ثمر نشست‌اند.

نکته حائز اهمیت دیگر در این مورد بحث میزان مشارکتی است که سازمان ملل متحد در انجام این محاکمات دارد؛ در این ارتباط سازمان ملل متحد با به کار گرفتن رویه‌هایی کاملاً متفاوت گاه در تأسیس یک دادگاه نقش و مشارکت مستقیمی داشته و گاه با وجود دستاوردهای چشمگیری که در زمینه تأسیس دادگاه‌های بین‌المللی و نظارت بر نحوه کار آنها داشته، به هیچ روی در انجام گرفتن این محاکمات دخالتی نکرده است که همانا عدم همکاری این مرجع فراگیر بین‌المللی پیامدهایی را به دنبال داشته است.

همانطور که مورد اشاره قرار گرفت دو دادگاه عالی کیفری عراق و دادگاه ویژه لبنان هر دو به دنبال رویدادهایی که در منطقه همواره پر مناقشه خاورمیانه واقع شده، تأسیس یافته‌اند،

رویدادهایی که مهمترین جنایات ارتکاب یافته علیه بشر را در برمی‌گیرد و افکار عمومی در جهان را همواره معطوف و مشغول خود ساخته است. وقوع بزرگترین جنایات بین‌المللی در عراق، ایران و کویت یعنی جنایات جنگی، نسل‌زدایی و جنایت علیه بشریت و تجاوز از یک سو منجر به تأسیس دادگاه عالی کیفری عراق شد تا حکومت‌گران بعث به ویژه صدام مجال گریز از کیفر و عدالت را نیابند و از سویی دیگر ارتکاب ترور رفیق حریری چهره محبوب در لبنان تنور داغ مبحث تروریسم و چگونگی مبارزه با آن را بیش از پیش گرم کرد به حدی که تأسیس دادگاه ویژه لبنان را در پی داشت و به این ترتیب نخستین واکنش قضایی بین‌المللی به این پدیده شوم قرن اخیر (تروریسم) از منطقه خاورمیانه آغاز شد. حال پرسش مهم این است که آیا محاکماتی که در دادگاههای نامبرده انجام می‌گیرد، از اصول دادرسی عادلانه که مورد توجه حقوق بین‌الملل کیفری است، بهره می‌برد؟

نکته اخیر از این حیث قابل تأمل است که دو کشور لبنان و عراق در زمره کشورهای عربی و مسلمان هستند نظام قضایی آن دو پیرو قواعد اسلامی می‌باشند، این در حالی است که حقوق بین‌الملل کیفری مرز نمی‌شناسد، ضرورت رعایت آن در اقصی نقاط جهان احساس می‌شود و یک هدف را دنبال می‌کند؛ انجام یک دادرسی عادلانه.

همانطور که در این پژوهش خواهد آمد اساسنامه دو دادگاه نامبرده به شدت از ادبیات حقوق بین‌الملل کیفری تأثیر گرفته است. پژوهش اخیر به دو بخش تقسیم گردیده، بخش نخست به محاکمه صدام در دادگاه عالی عراق اختصاص یافته و به سرانجام رسیده و نیز روند آن مورد نقدهای جدی قرار گرفته است. اما محاکمه عاملان ترور رفیق حریری در دادگاه ویژه لبنان در شرف انجام است که در بخش دوم به آن می‌پردازیم.

۱- دادگاه عالی کیفری عراق

گزینه‌های متعددی برای برگزاری محاکمات سران حزب بعث وجود داشت. اما سرانجام سرگرفتن محاکمه در یک مرجع ملی راه را بر هر احتمال دیگر بست تا هرچه سریعتر انتظار برای محاکمه سران حزب بعث به سر آید، گرچه برای به پایان رسیدن این انتظار مسیر طولانی سپری شد.

۱-۱- چگونگی تشکیل دادگاه

غالب قطعنامه‌های شورای امنیت که از زمان حمله عراق به کویت صادر شد، به تدریج زنجیره‌ای را تشکیل داد که آخرین حلقه آن قطعنامه ۱۴۴۱ بود، قطعنامه‌ای که صدورش بهانه‌ای کافی به دست داد تا سقوط حکومت بعث را در عراق رقم زند. گرچه در این قطعنامه به صورت علنی امکان حمله نظامی به این کشور مطلقاً پیش‌بینی نشده بود اما درج عبارت «پیامدهای جدی» در پاراگراف نهایی قطعنامه اخیر بهانه‌ای را برای هرگونه تفسیری از آن و سرانجام حمله نظامی به عراق به دست داد. با وجود این به باور سازمان ملل متحد قطعنامه جدید به هیچ طرف اجازه

توسل به زور نمی‌داد. پل تاواریه، استاد نامدار مرکز مطالعات و تحقیقات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در دانشگاه پاریس ۱۱ نیز معتقد بود که اقدام شورای امنیت و نیروهای ائتلاف در سال ۲۰۰۳ شاید ضرورت پاره‌ای تغییرات در حقوق بین‌الملل را می‌طلبد اما نه در قطعنامه ۱۴۴۱ و نه در هیچ‌یک از قطعنامه‌های صادره علیه عراق، شورای امنیت هرگز اجازه صریحی به ایالات متحد نداده است تا به این کشور بتازد.^۱ با این حال پس از دستگیری صدام حسین در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۳، مهمترین چالش پیش روی ملت عراق، نیروهای ائتلاف و جامعه جهانی قرار گرفت؛ محاکمه وی و سایر سران بعث. در این راستا با توجه به پیشینه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی که در جهت محاکمه متهمان به بزرگترین جنایات بین‌المللی همواره گام برداشته‌اند، تلاشهایی با هدف تأسیس یک مرجع بین‌المللی برای محاکمه سردمداران بعث انجام گرفت، اما تلاشهای اخیر با اقبالی روبه‌رو نگردید و سرانجام یک مرجع ملی عهده‌دار این محاکمه تاریخ‌ساز در عراق گردید و نخستین تجربه کشورهای خاورمیانه در محاکمه جنایتکاران بین‌المللی را رقم زد. در این راستا دادگاه ویژه عراق در ۹ دسامبر ۲۰۰۳ در شهر بغداد، تأسیس یافت. سازمانهای حقوق بشری از پیش از تأسیس دادگاه ویژه برای محاکمه صدام و سایر متهمان پیشنهادهایی را در مورد چگونگی تشکیل آن و رعایت استانداردهای بین‌المللی ارائه دادند. از جمله سازمان عفو بین‌الملل ضمن صدور بیانیه‌ای در ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۳، توصیه نمود تا یک کمیسیون ویژه برای بررسی وضعیت عدالت کیفری در عراق و وضعیت وکلای مدافع و قضات عراقی تشکیل شود و استانداردهای بین‌المللی نظیر عدم استفاده از معیارهای گزینشی یعنی انتخاب قضات بر اساس نژاد یا ملاحظات مذهبی رعایت گردد و یا در هیچ حالتی توسل به مجازات اعدام و شکنجه یا هر دو و هر شکل دیگری از رفتارهای خشن و روشهای تحقیرکننده مجاز نباشد.^۲ با وجود این، پس از تشکیل دادگاه ویژه، سازمان دیده‌بان حقوق بشر در موارد متعددی به این دادگاه ایراد وارد نمود. برای نمونه در سند تأسیس اولیه دادگاه و قانون آیین دادرسی منضم به آن، اموری چون تضمین حق سکوت متهم، تفهیم اتهام بدون تأخیر ناروا مورد غفلت قرار گرفت و از سوی دیگر امکان محاکمه غیابی فراهم شده بود. به علاوه، پاره‌ای از حقوقدانان تأسیس دادگاه ویژه عراق را عملی غیرقانونی قلمداد می‌کردند؛ چرا که مبنای تأسیس چنین دادگاهی برای محاکمه صدام حسین و سایر سران بعث، یک حمله نظامی یا به عبارت دیگر تجاوز به عراق بوده است و در حقیقت متعاقب یک عمل و وضعیت کاملاً نامشروع و برخلاف بند ۴ ماده ۲ منشور تأسیس گردیده بود، بنابراین به باور این گروه کشورهای جهان مکلف بودند تا نتایج حاصل از یک اقدام غیرقانونی را به رسمیت نشناسند.^۳

^۱ برای مطالعه بیشتر، نک: پل تاواریه، «مسأله مشروعیت توسل به زور علیه عراق توسط ایالات متحد امریکا» ترجمه هادی وحید، *مجله حقوقی*، نیمه دوم ۱۳۸۵، شماره ۳۵، ص ۲۶۲.

^۲ مرتضی رمضانی «بررسی نظام قضایی عراق»، *دیدگاهها و تحلیلهای*، تیرماه ۱۳۸۳ شماره ۱۸۱، ص ۷۷.

^۳ Clark Ramsey, "The Iraqi Special Tribunal: A Corruption Of Justice IST is illegal because it is based

سرانجام با عنایت به ایرادات وارد شده، اساسنامه دادگاه مورد تجدیدنظر قرار گرفت و در اکتبر ۲۰۰۵ دادگاه عالی کیفری عراق با تغییرات اندکی نسبت به اساسنامه دادگاه ویژه، تأسیس یافت.

همانطور که پیشتر اشاره شد این دادگاه یک مرجع ملی است بنابراین نه محصول قطعنامه شورای امنیت در چارچوب فصل هفتم منشور، نه توافقنامه میان کشور عراق و سازمان ملل متحد و نه توافقنامه میان چند کشور است، بلکه این دادگاه توسط شورای حکومتی عراق بدون هیچ‌گونه همکاری نیروهای بین‌المللی و سازمان ملل متحد تأسیس گردید و بودجه این دادگاه نیز توسط شورای حکومتی عراق تأمین می‌گردد.

۲-۱- ساختار و تشکیلات دادگاه عالی عراق

دادگاه عالی کیفری عراق از سه قسمت تشکیل یافته است:

- (۱) شعب رسیدگی ماهوی و تحقیق که خود مشتمل است بر سه بخش قضات تحقیق^۴، دادگاه کیفری^۵، شعب تجدیدنظرخواهی^۶، می‌باشند.
- (۲) دادسرای عمومی^۷

(۳) دبیرخانه که عهده‌دار ارائه خدمات اداری و مالی به دادگاه و دادسرای عمومی می‌باشد.

دادگاه کیفری مرکب از ۵ قاضی است که از میان خود یک نفر را به ریاست انتخاب می‌نمایند تا بر عملکرد قضات نظارت نماید. مرجع تجدیدنظر نیز متشکل از ۵ قاضی است که از میان خود یک نفر را به ریاست بر می‌گزینند رئیس این مرجع، ریاست دادگاه را نیز عهده‌دار خواهد بود و بر امور اداری و مالی نظارت خواهد کرد. نحوه انتخاب قضات به این ترتیب است که شورای عالی قضایی عراق، نامزدهای تصدی پست قضاوت یا دادستان عمومی را به دادگاه معرفی می‌کند. سپس شورای وزیران، پیرو تأیید نامزدها، دستور نصبشان را صادر می‌کند.^۸ شورای وزیران در صورتی که ضرورتی احراز کند و بنا به پیشنهاد رئیس دادگاه مختار است تا اقدام به نصب قضات بین‌المللی نماید که باید از تجربه کافی در دادگاههای کیفری، عالی‌ترین فضائل اخلاقی، صداقت و راستی برخوردار باشند. وی پس از انتصاب مختار است تا با مشورت با رئیس دادگاه کارشناسان بین‌المللی را جهت همکاری با قضات تحقیق نصب نماید. در این راستا، رئیس دادگاه از کمک سازمان ملل متحد نیز می‌تواند برخوردار شود. کارشناسان بین‌المللی نیز باید از عالی‌ترین فضایل اخلاقی، صداقت و از سابقه کار قضایی در کشور متبوع خود و یا دادگاههای بین‌المللی

on illegal war of aggression", Curtis FJ Doebler available at: <http://www.acenter.org/iraq/Hussein-5-to-2006.htm> (30/01/2008)

4. investigative judges
5. criminal court
6. cassation panel
7. public prosecution
8. Iraqi High Criminal Court law / art (4)

برای رسیدگی به جنایات جنگی بهره‌مند باشند.^۹ در دادرسی عمومی نیز به تعداد مورد نیاز، قاضی گمارده می‌شود که از میان خود یک نفر را به ریاست و یک نفر را به سمت معاون بر خواهند گزید. رئیس دادرسی عمومی با مشورت رئیس دادگاه مختار است که کارشناسان بین‌المللی را با هدف یاری رساندن به دادرسی نصب نماید که در این راستا از مدد جامعه جهانی از جمله سازمان ملل متحد بهره‌مند می‌شود. این کارشناسان نیز از همان ویژگیهای پیش گفته باید برخوردار باشند.^{۱۰} نحوه و شرایط انتخاب تمام قضات دادرسی و دادگاه باید طبق قانون سازمان قضایی شماره (۱۶۰) و قانون دادرسی عمومی شماره (۱۵۹) مورخ ۱۹۷۹ باشد.

همچنان که ملاحظه می‌شود نصب قضات و کارشناسان بین‌المللی در این دادگاه به هیچ روی الزامی نیست و به اختیار شورای وزیران و قضات واگذار شده است. دلیل پیش گرفتن چنین رویه‌ای در اساسنامه نیز با توجه با ملی بودن این مرجع کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد، گرچه به لحاظ رعایت اصول دادرسی عادلانه خالی از ایراد نیز نمی‌باشد؛ قابل توجه است که صدام و سران بعث متهم به ارتکاب جنایات بین‌المللی بودند و بدین سبب افکار عمومی در جهان را به جهت انجام یک محاکمه عادلانه معطوف خود ساخت. این درحالی است که بی‌طرفی قضات یکی از ویژگیهای بدیهی در دادرسی عادلانه است در حالی که عدم استفاده از قضات بین‌المللی و نصب قضات با تابعیت عراقی به ویژه قضات کرد و شیعه از آن جهت که شیعیان و کردهای عراق موضوع عمده جنایات صدام حسین بودند، بسیار جای تأمل داشت. گرچه این امر فی‌نفسه نقض بی‌طرفی نیست، اما می‌توانست زمینه ساز آن باشد.^{۱۱} لذا از باب احتیاط بهتر بود که حداقل نصب قضات از میان این عده صورت نمی‌گرفت.^{۱۲} اما از سوی دیگر همانگونه که مشاهده می‌شود در اساسنامه دادگاه عالی عراق هم بر شرایط و

^۹ Iraqi High Criminal Court law / art (8)

^{۱۰} Iraqi High Criminal Court law / art (9)

^{۱۱} برای مطالعه بیشتر در این زمینه، نک: یلدا مظفریان، «بررسی محاکمه صدام حسین از دیدگاه حقوق بین‌الملل کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، بهار ۱۳۸۷، صص ۱۰۸-۱۰۲.

^{۱۲} برای نمونه می‌توان به قاضی رثوف عبدالرحمان اشاره نمود. اطلاعات به دست آمده از سابقه این قاضی کرد حاکی از آن بود که وی متولد شهر حلبچه عراق است، تعدادی از اعضای خانواده او در جریان حملات حکومت بعث به کردستان عراق کشته شده بودند، از اعضای جنبش ملی‌گرای کردستان در سال ۱۹۷۰ بوده است و در ۱۹۷۷ دستگیر و شکنجه شده و به حبس ابد محکوم شده بود. این اطلاعات، قرائن کافی برای احراز عدم بی‌طرفی وی قلمداد می‌گردید و همواره مورد اعتراض وکلای مدافع صدام حسین قرار گرفت. لیکن نه دادگاه، نه خود قاضی عبدالرحمان هیچ پاسخی به این اعتراضات ندادند. دادگاه با سکوت و بی‌توجهی ایراد عدم صلاحیت را نپذیرفت. قاضی عبدالرحمان در موارد متعدد، وارد درگیریهای لفظی با متهمان گردیده و با اتخاذ تصمیمات غیرقابل توجیه اصل بی‌طرفی را به صورت کاملاً آشکار نقض نمود.

صفات اخلاقی و هم بر صلاحیتهای علمی قضات تأکید شده است. مشابه این تعابیر به ترتیب در مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه دادگاههای یوگسلاوی سابق و رواندا، قسمت «الف» بند ۳ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و در اساسنامه دادگاههای مختلط از جمله ماده ۱۳ اساسنامه دادگاه سیرالئون درج گردیده است. علت چنین تأکیدی را باید در این حقیقت دانست که پایداری قاضی بر حفظ بی‌طرفی و استقلال بدون وجود چینی شرایطی ناممکن به نظر می‌رسد، به ویژه کسب فضائل اخلاقی به سادگی و در کوتاه مدت امکان‌پذیر نیست و به عوامل گوناگونی از جمله شرایط اجتماعی و خانوادگی به شدت بستگی دارد.^{۱۳} با این حال صلاحیتهای علمی مورد نظر در اساسنامه در مورد قضات منصوب در این دادگاه محل تردید است؛ در نظام قضایی عراق طی سالهای حاکمیت دولت بعث سابقه‌ای از محاکمات بین‌المللی وجود ندارد و قضات عراقی از مجموعه تحولات حقوق کیفری جهان به دور بوده‌اند و آموزش قضات طی اندک زمانی برای جبران چنین خلأ سی ساله ممکن به نظر نمی‌رسید. در حالی که در مراجع بین‌المللی همواره استفاده از قضات و حتی وکلایی که از سابقه و تجربه شرکت در محاکمات بین‌المللی برخوردارند از الزامات است و امری اختیاری نیست.

۳-۱- حداقل تضمینات برای انجام محاکمه عادلانه در اساسنامه دادگاه عالی عراق

در اساسنامه دادگاه عالی عراق، اصول اساسی بین‌المللی حاکم بر یک محاکمه عادلانه پیش‌بینی شده است. همچنان که ضمن بند ۱ ماده ۱ به اصل استقلال قضایی، در بند ۲ ماده ۳۰ به اصل منع محاکمه مجدد، بند ۳ ماده ۱۵ به اصل عدم تأثیر سمت رسمی افراد در مسؤولیت کیفری، بند ۲ ماده ۱۹ به اصل برائت، در بند ۳ ماده ۱۹ به اصل محاکمه علنی و به حقوق مظنون و متهم نظیر برخورداری از حق سکوت در بند ۴ ماده ۱۹، اجتناب از تأخیر ناروا در تفهیم اتهام در قسمت «الف» بند ۴ ماده ۱۹ و برخورداری از وکیل بنا به انتخاب خود در قسمت «ب» بند ۴ ماده ۱۹، امکان تجدیدنظرخواهی و اعاده دادرسی به ترتیب در مواد «۲۵» و «۲۶» تصریح شده است. بی‌تردید عدم پیش‌بینی چنین تضمینهایی در اساسنامه دادگاه عالی کیفری عراق ناممکن به نظر می‌رسد؛ شایان ذکر است که اساسنامه این دادگاه پس از لازم‌الاجرا شدن سند تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی تدوین گردیده و افکار عمومی و چشمان تیزبین سازمانهای حقوق بشری از بدو تأسیس تا انجام محاکمه را به همراه داشت و بی‌تفاوتی نسبت ادبیات نوین کیفری در جهان برای انجام یکی از بزرگترین و تاریخ‌سازترین محاکمات در طول حیات حقوق بین‌الملل کیفری قابل پذیرش نبود.

پیش‌بینی اصول مورد توجه حقوق بین‌الملل کیفری و تضمینهای حقوق بشری، حداقلهایی است که حقوق بین‌الملل رعایت آن را برای همه نظامهای ملی با وجود تفاوت‌های گوناگون

^{۱۳} مصطفی فضائی، دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷، صص ۲۱۹-۲۱۸.

فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنها لازم می‌شمارد.^{۱۴} لذا درج اصول و تضمینهای پیش گفته - همچنان که نمونه‌هایی از آن برشمرده شد- در اساسنامه یک مرجع ملی خود نقطه عطفی است.

با این حال در عمل بسیاری از اصول نامبرده نقض شده است. برای نمونه یادآور شدیم که در قسمت (ب) بند ۴ ماده ۱۹ اساسنامه حق دسترسی متهم به وکیل پیش‌بینی شده است. اما از زمان دستگیری در سال ۲۰۰۳ صدام حسین تا سال ۲۰۰۴ یعنی در محدوده زمانی که تحقیقات مقدماتی، در جریان بود، به رغم اینکه بارها هم از طرف صدام و هم از طرف وکلای مدافعش درخواست ملاقات شد، هیچ‌یک از وکلای مدافع امکان ملاقات با وی را نیافت. تا اینکه در دسامبر ۲۰۰۴ خلیل الدلیمی وکیل عراقی صدام حسین پس از اینکه ملاقاتش با صدام به تأیید نیروهای ائتلاف رسید، این امکان را پیدا کرد. الدلیمی یک وکیل عراقی بوده و از تجربه‌ای در ارتباط با محاکمه به متهمان به جنایات بین‌المللی و یا دانش حقوق بین‌الملل کیفری برخوردار نبود، حال آنکه صدام و سایرین دقیقاً به ارتکاب جنایات بین‌المللی متهم بودند. صدام پس از نصب وی بارها درخواست نمود تا از وکلای بین‌المللی مجرب بنا به انتخاب خود، بهره‌مند گردد. سرانجام امکان تشکیل یک گروه از وکلای مدافع مرکب از وکلای بین‌المللی، فراهم شد. اما پس از انتخاب وکلای مدافع بین‌المللی، آنها نیز برای ملاقات با صدام با موانع متعددی روبرو شدند، از جمله اینکه مکرراً به بهانه دلائل امنیتی و تهدیدات و خطرات جانی اجازه ملاقات با صدام به آنها داده نشد. افزون بر این هر زمان که امکان ملاقات فراهم شد، باید که در حضور نیروهای نظامی ائتلاف صورت می‌گرفت و اجازه ملاقات خصوصی وجود نداشت در حالی که امکان ملاقات خصوصی وکیل با موکل از حقوق مسلم متهم است.^{۱۵}

از سایر موارد محل ایراد در جریان محاکمات این دادگاه می‌توان از نقض اصل برائت نام برد. بارها در طول محاکمات دیده شد که به انحاء مختلف قضات دادگاه با به کار بردن تعبیری خطاب به متهم از جمله «از زمانی که کودک بودی در خون می‌جهیدی»^{۱۶} اصل برائت را زیر پا نهاده و یا مقامات سیاسی در امر قضا با اظهارنظرهای افراط‌گرایانه مبنی بر اینکه «صدام سزاوار آن است که بدون محاکمه به چوبه دار سپرده شود» دخالت نموده و بر فضای وحشت‌زده حاکم بر عراق و آتش خشم مردم این کشور دامن زدند، در حالی که مبنای قانونی بودن چنین دادگاهی که اساسنامه به تصویب شورای وزیران رسیده و با اقبال مردم مواجه شده بود ایجاب می‌کرد که مقامات دولتی و قضایی دست از شعله‌افروزی بشویند و اگر توان تضمین انجام یک محاکمه

^{۱۴} همان، ص ۱۲۹.

^{۱۵} "Judging Dujail: The First Trial before Iraqi High Tribunal-Procedural Concerns IV-The defendants right's to be informed of charges", available at:

<http://www.hrw.org/reports/iraq1106/4> (2006/12/30)

^{۱۶} "Judging the Dujail First Trial before The Iraqi High Tribunal IV-Procedural concerns in The Conduct of The Trial-concerns affecting independency and impartiality of the tribunal" available at: <http://www.hrw.org/reports/2006/iraq/1106/5.htm>(2007/09/02)

عادلانه را ندارند اما حداقل برای نیل به آن یاری رسانند. از عمده ایرادات دیگر این محاکمه می‌توان به وابستگی مالی آن اشاره نمود. با وجود آنکه برابر ماده ۳۴ اساسنامه بودجه این دادگاه کاملاً توسط شورای حکومتی عراق باید تأمین می‌شد اما در عمل این امکان وجود نداشت. برای عراق کشوری آشوب‌زده، با حکومتی تازه تأسیس و در اشغال نظامی بی‌آنکه وضعیت اقتصادی آن کشور چنگی به دل بزند و قوامی یافته باشد، تأمین بودجه این دادگاه به تنهایی توسط دولت عراق چندان واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسید به همین دلیل، هزینه‌ها و در پی آن وابستگی مالی که خود وابستگی‌های دیگری را به همراه داشت، روند کار این دادگاه را با اشکالات و مشکلاتی همراه ساخت. کما اینکه پس از تشکیل دادگاه ویژه، پل برمر سرپرست شورای موقت ائتلاف اعلام کرد که ایالات متحد بودجه‌ای ۷۵ میلیون دلاری در اختیار این دادگاه خواهد گذاشت. همچنین این دولت به عنوان سردمدار نیروهای اشغالگر اعلام کرده بود که حداقل صدها میلیون دلار صرف تشکیل پرونده علیه صدام حسین نموده است و متعاقباً یک گروه از دادستانان، محققین و مشاوران برای جمع‌آوری شواهد و مدارک و تعلیم قضات و دادستانان به عراق اعزام نمود. با وجود اینکه این گروه از کارشناسان امریکایی از تجربه و مهارت بالایی برای همکاری با هم‌تایان عراقی خود برخوردار بودند، اما خلاً موجود در نظام حقوقی عراق منجر به آن شد که جنبه آموزشی فعالیت‌های این گروه تبدیل به جنبه‌ای آمرانه گردد و عملاً کارکنان دادگاه به تابعی از آنچه کارشناسان امریکایی می‌گویند، بدل شوند و متخصصین ایالات متحد هر روز نقش بیشتری در جریان رسیدگی دادگاه داشته باشند.^{۱۷}

از سویی دیگر بسیاری از اقداماتی که باید توسط دادگاه انجام می‌شد، تحت نظارت نیروهای RCLO^{۱۸} که وابسته ایالات متحد بودند، قرار گرفت. این نیروها تحقیقات را زیر نظر گرفتند، هدایت کردند، بسیاری از اسناد را گردآوری و ضبط نموده، این امر منجر به گسترش هر چه بیشتر نقش RCLO و وابستگی دادگاه به آن شد به نحوی که قضات از آن به عنوان نیروی اجرایی دادگاه بهره می‌جستند. حتی این گروه در دادگاه نقش مشاور را نیز به عهده داشتند. از جمله دلایلی که منجر به عدم حضور مشاورانی غیر از نیروهای RCLO گردید، از یک سو هزینه بالایی بود که سایر مشاوران داشتند که رقمی بین ۲۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ دلار تخمین زده می‌شد و از سوی دیگر، کشورهای اروپایی حاضر به هیچ‌گونه همکاری با دادگاه حتی معرفی مشاور نبودند چرا که از ابتدا با امکان اجرای اعدام مخالفت خود را ابراز داشتند^{۱۹} و این در حالی بود که یکی از دلایل اصرار برای برپایی محاکمه سران بعث در یک مرجع ملی همانا امکان اعمال مجازات

17. Michael P. Sharf, "Lessons from The Saddam Trial-guarantee better security" available at: [http://www.law.case.edu/saddamtrial/entry.asp?entry_id=14\(2007/5/2\)](http://www.law.case.edu/saddamtrial/entry.asp?entry_id=14(2007/5/2))

18. Regime Crime Liaison Office

نیرویی بود که متعلق به وزارت دادگستری امریکاست و برای خدمت به دادگاه عالی عراق به این کشور اعزام شد.

19. "Judging Dujail: The First Iraqi Trial before Iraqi High Tribunal VI-The Role of International Advisers", available at: <http://www.hrg.org/reports/iraqi106/6.htm> (2007/3/2)

اعدام برابر قوانین داخلی این کشور بود. بدین ترتیب عقب‌نشینی کشورهای اروپایی و حتی سازمان ملل متحد، منجر به آن شد که نفوذ و غلبه نیروهای امریکا در همه امور حتی کنترل ورود و خروج متهمان و وکلای مدافع از بغداد و رفت و آمد به دادگاه هر چه بیشتر افزایش یابد و این دادگاه آن‌چنان که شایسته یک مرجع مستقل بود، عمل ننماید.

۴-۱- مبانی لغو اعدام در اسناد بین‌المللی و اعدام صدام

به طور کلی نظام مجازات‌ها در اساسنامه دادگاه عالی کیفری عراق در ماده ۲۴ مستقر شده است. در این ماده آمده است:

«الف) مجازات‌های که توسط دادگاه اعمال می‌شود آنهایی است که در بخش‌هایی از ماده ۱۷ قانون کیفری شماره ۱۱۱ مصوب سال ۱۹۶۹ مقرر شده‌اند ... ب) مجازات جرایم مندرج در ماده ۱۴ اساسنامه مجازات‌های مقرر در قانون مجازات و سایر قوانین کیفری خواهد بود. ج) دادگاه مجازات جرایم مندرج در مواد ۱۱ تا ۱۴ را با در نظر گرفتن معیارهای مقرر در پاراگراف «د» و «ه» ذیل معین می‌کند. د) فرد محکوم به نحوی که در قانون کیفری مقرر شده، مجازات خواهد شد اگر اولاً فرد طبق قانون کیفری مرتکب قتل عمد یا زنا یا به عنف شده باشد، در ثانی در ارتکاب قتل یا زنا یا به عنف مشارکت کرده باشد. ه) هنگام تعیین مجازات برای جرایم منصوص در مواد ۱۱ تا ۱۳ این قانون که دارای مشابهی در میان قوانین عراق نمی‌باشد، دادگاه باید عوامل خاصی مانند شدت جرم و شرایط و اوضاع و احوال محکوم را طبق رویه قضایی و مجازات‌هایی که در این رابطه توسط دادگاه‌های کیفری بین‌المللی تعیین شده‌اند مورد توجه قرار دهد ...». همچنان که مشاهده می‌گردد در ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه عالی عراق نوعی نظام دوگانه بر مجازات‌ها حاکم است؛ برای آن دسته از جنایاتی تحت صلاحیت دادگاه که در نظام کیفری عراق، مشابهی وجود دارد، مجازات همان جرایم مشابه لحاظ می‌گردد و در غیراین صورت به آراء و رویه موجود در دادگاه‌های بین‌المللی مراجعه می‌شود و قاضی اختیار دارد که بر این مبنا حکم مقتضی را صادر نماید. بنابراین در صورتی که زنا یا به عنف یا قتل عمد ارتکاب یافته باشد، اجرای اعدام قطعی است و اگر مشابهی برای جنایات ارتکاب یافته در میان قوانین عراق یافت نشود، به رویه بین‌المللی استناد می‌شود.^{۲۰} حال آنکه رویه حقوقی بین‌المللی در این ارتباط کاملاً متفاوت از رویه‌ای است که قواعد داخلی عراق دربردارد و همانا حکم اعدام را هرگز بر نمی‌تابد و حداکثر مجازات حبس ابد است. شایان ذکر است که در میان مجموعه اسناد بین‌المللی آنچه بسیار مورد توجه است، اهمیت «حق حیات» می‌باشد. چنانچه در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید شده: «هر کس حق حیات، آزادی و امنیت شخصی دارد». در بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده: «حق زندگی ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون

^{۲۰} مائده میرشمس شهشانی، «صلاحیتها و مجازات‌ها در دادگاه عالی کیفری عراق: از تأسیس دادگاه تا اعدام

صدام» مجله پژوهشهای حقوقی، نیمسال دوم ۱۳۸۵، شماره ۱۰، صص ۱۹۲-۱۹۱.

حمایت شود، هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه از زندگی محروم کرد». کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد که مسئول نظارت بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است چندین بار اظهار نموده است که مجازات اعدام فی نفسه با بند نخست ماده ۶ مغایر نیست. اما با عنایت به بندهای ۲ تا ۵ همین ماده که متضمن یک رشته محدودیتها بر اجرای آن است، دولتهای متعاقد میثاق به رغم این که موظف به الغای اعدام نشده‌اند اما باید کمترین استفاده را از این مجازات نمایند. از نظر کمیته حقوق بشر طبق بند ۲ این ماده که تصریح می‌کند: «در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است» لغو مجازات اعدام یک مطلوب است و «دلیل پیشرفت در جهت تمتع از حق زندگی» محسوب می‌گردد. بار دیگر در بند ۶ ماده ۶ بر موضع الغاگر وی بدین شکل تأکید شده: «هیچ‌یک از مقررات این ماده برای تأخیر یا منع الغا مجازات اعدام از طرف هر یک از کشورهای طرف این میثاق قابل استناد نیست».^{۲۱}

در عین حال برابر بند ۲ ماده ۶ اجرای مجازات اعدام مقید به قیودی است: اول اینکه این مجازات باید در مورد مهمترین جنایات بین‌المللی به موقع اجرا گذارده شود. با توجه به این که اهمیت جرم از کشوری به کشور دیگر متغیر و متفاوت است، اما در هر حال این حکم باید به گونه‌ای تفسیر شود که مجازات اعدام کیفیت یک اقدام کاملاً استثنایی را داشته باشد. دوم آنکه از آنجایی که طبق اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها هیچ عملی جرم نخواهد بود و هیچ جرمی بدون کیفر قانونی وجود ندارد، جرم مستحق مجازات اعدام نیز باید مشمول قانونی باشد که برای آن در زمان ارتکاب مجازات اعدام تعیین شده باشد و سوم اینکه صدور حکم مجازات اعدام با مقررات میثاق و مقاله‌نامه درباره منع و مجازات نسل‌زدایی نباید مغایرتی داشته باشد.^{۲۲} در توضیح این قید باید اذعان داشت که میثاق در ماده ۱۴ خود یک سلسله تضمینات را جهت احقاق حق دادرسی متهم فراهم نموده است از جمله دادرسی عادلانه و علنی، برخورداری از وکیل، پرهیز از تأخیر ناروا در محاکمه، منع محاکمه مجدد. «کمیته حقوق بشر بارها اذعان داشته که نقض و نادیده گرفتن تضمینهای مندرج در ماده ۱۴ در یک دادرسی منتهی به محکومیت به اعدام نقض ماده ۶ میثاق قلمداد می‌شود. چنان که در قضیه مونگویامبنژ^{۲۳} علیه زئیر، نقض این ماده را به دلیل آن که از اتهامات علیه خود پیش از آن مطلع شده باشد، اعلام نمود. لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تضمینهای یک دادرسی عادلانه در قضایای مربوط به مجازات اعدام جز «هسته سخت» میثاق تلقی می‌شود و احترام بدون قید و شرط آن را از طرف کشورهای متعاقد حتی به هنگام خطر عمومی استثنایی خواسته است. مقررات ناظر بر عفو و تخفیف محکومیت به اعدام در ماده ۶ گنجانده شد زیرا به نظر مهم آمده که در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده

^{۲۱} محمدعلی اردبیلی، حقوق بین‌المللی کیفری، گزیده مقالات، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۵، ص

۲۰۳.

^{۲۲} همان، صص ۲۰۴-۲۰۳.

^{۲۳} Monguya Mbenge

است، تخفیف پیدا کند» و حتی جمله دوم هر گونه کوششی از جمله عفو عمومی را برای پرهیز از اجرای قطعی حکم القا می‌کند. البته نمی‌توان گفت که جمله «حق درخواست عفو» به معنای حق قانونی و اجباری عفو شدن است لیکن دست کم محکوم به اعدام حق دارد که درخواست عفو یا تخفیف مجازات او با دقت و حسن نیت بررسی شود. امروزه گرایش و جهش گسترده‌ای به سوی الغای مجازات اعدام در جهان به وجود آمده به گونه‌ای که آمارهای ارائه شده حاکی از افزایش تعداد کشورهای است که یا به هر نحو مجازات اعدام را از مجموعه ضمانت‌اجراهای کیفری خود حذف کرده و با وضع قوانین جدیدی، اقدام به نسخ قانون سابق مبنی بر تجویز اجرای این مجازات نموده‌اند^{۲۴} و یا این که مجازات اعدام را اجرا نمی‌کنند.^{۲۵} اما در مورد وضعیت گرایش مزبور در سطح جهان، اختلاف نظر وجود دارد؛ عده‌ای معتقدند که گرچه پروتکلها و معاهدات منطقه‌ای حقوق بشری در گوشه و کنار جهان بسته شده ولی همه کره زمین از میثاقهای حقوق بشر پوشیده نیست و نیز مجازات اعدام در بیش از نیمی از نظامهای جهان همچنان در حال اجرا است و نمی‌توان امیدوار بود که این موج برخاسته به الغای جهانی اعدام بینجامد.^{۲۶} اما گروهی بر این باورند که روند الغای مجازات اعدام جهان‌شمول است، یعنی تعداد کشورهایی که به این روند در حال الحاق هستند رو به افزایش نهاده و این جهان‌شمولی بدانجا خواهد انجامید که الغای این مجازات بدل به یک قاعده آمره شود.^{۲۷}

با وجود تفاسیر پیش گفته، دادگاه عالی عراق بر این باور بود که قتل عمدی یا زنا یا به عنف مبنای جنایات مندرج در صلاحیت آن یعنی جنایت علیه بشریت، نسل‌زدایی و جنایات جنگی را تشکیل می‌دهند، لذا با استناد به قانون ۱۹۶۹ شماره ۱۱۱ عراق، اقدام به صدور حکم اعدام نموده است.^{۲۸}

با عنایت به توضیحات اخیر و توجه به این نکته که اعدام در قوانین داخلی عراق به عنوان ضمانت اجرا برابر جرایمی چون قتل قرار گرفته نه جنایات بزرگ بین‌المللی از جمله جنایت علیه بشریت، به نظر می‌رسد که اعدام صدام حسین از مبنای توجیه‌پذیر قانونی از نقطه نظر حقوق بین‌الملل برخوردار نباشد، گرچه ظاهراً دلیل عمده محاکمه صدام در یک مرجع داخلی را تشکیل می‌داد و موجبات استقبال ملت و دولت عراق و بسیاری دیگر را در جهان فراهم ساخت. شایان ذکر است که حتی بر خلاف ماده ۶ میثاق، برابر ماده ۲۷ اساسنامه امکان درخواست عفو و تخفیف وجود نداشت.

^{۲۴} کشورهای داوطلب عضویت در اتحادیه اروپا باید اجرای مجازات اعدام را ممنوع نمایند.

^{۲۵} روسیه فدراتیو مثال عمده‌ای در این زمینه است.

^{۲۶} محمد علی اردبیلی، پیشین، ص ۲۰۱.

^{۲۷} William Schabas, *The Abolition of the Death Penalty in International Law*, Cambridge University Press, Third edition, 2002, pp. 375-376.

^{۲۸} مانده میرشمس شهشانی، پیشین.

۲- دادگاه ویژه لبنان

دادگاه ویژه لبنان که پیرو ترور رفیق حریری تأسیس یافت، نمونه‌ای از مراجع بین‌المللی با ویژگیهای منحصر به فرد است که تا پیش از این سابقه نداشته است که در این بخش به بررسی آن می‌پردازیم.

۲-۱- چگونگی تأسیس دادگاه ویژه لبنان

پس از ترور رفیق حریری رئیس‌جمهور پیشین لبنان و ۲۲ نفر از اعضای کابینه وی در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ در لبنان، دولت این کشور در ۱۳ دسامبر همان سال به دبیرکل ملل متحد درخواست تأسیس دادگاهی بین‌المللی برای رسیدگی به این جنایت را ارائه داد. پیرو این جنایت در ۲۵ فوریه ۲۰۰۵ یک گروه حقیقت‌یاب از جانب شورای امنیت ملل متحد به سرپرستی پیتر فیتزجرالد کمیسر ایرلندی تشکیل شد و عازم لبنان گردید. وی در گزارش خود ضمن ابراز ناخرسندی از روند تحقیقات اعلام داشت عوامل متعددی مانع از به سرانجام رسیدن تحقیقات و کشف حقیقت است، به همین سبب اعلان نمود که تنها انجام تحقیقات بین‌المللی و کاملاً بی‌طرفانه گره‌گشای کشف حقایق پشت پرده این جنایت خواهد بود. شورای امنیت در اکتبر ۲۰۰۵ با صدور قطعنامه ۱۵۹۵ اقدام به تأسیس کمیسیون مستقل بین‌المللی^{۲۹} تحقیق نمود تا در انجام تحقیقات در لبنان به مقامات این کشور کمک‌رسانی نماید. در رأس این کمیسیون دتلیو مهلیس^{۳۰} دادستان آلمانی تبار قرار گرفت^{۳۱} و طی تصدی خود دو گزارش به شورای امنیت ملل متحد ارائه کرد که گزارش نخست کمیسیون حاکی از دخالت و نقش‌آفرینی مقامات ارشد لبنانی و سوری در این ترور بود. پیرو گزارش اخیر قطعنامه ۱۶۳۶ مبنی بر درخواست از سوریه برای همکاری هرچه بیشتر با کمیسیون تحقیق در انجام تحقیقات صادر گردید و خواسته شد تا نتیجه اقدامات کمیسیون به شورای امنیت گزارش گردد. در این راستا این کمیسیون قادر بود تا به تمامی اشخاص، سازمانها و اسناد مرتبط با این جنایت دسترسی داشته و از امکان رفت و آمد در سراسر لبنان برخوردار باشد. همچنین از کلیه کشورها خواسته شد تا با این کمیسیون همکاری نمایند. اما سوریه از دست داشتن در این ترور خود را مبرا می‌دانست و برای همکاری با کمیسیون ضرورتی نمی‌دید به همین سبب با صدور قطعنامه ۱۶۴۴ و ضمن تأکید بر نتیجه هر دو گزارش مبنی بر دست داشتن مقامات ارشد سوری در این ترور، از این دولت درخواست همکاری جدی شد. پس از انجام تحقیقات در مارس ۲۰۰۶ ضمن صدور قطعنامه ۱۶۶۴، سازمان ملل متحد با دولت لبنان وارد مذاکرات جهت تأسیس یک دادگاه بین‌المللی برای پیگیری جنایت ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵ در لبنان

²⁹. United Nations International Independent Investigation Commission (UNIIIC)

³⁰. Detlev Mehlis

³¹. پس از وی نیز سرج برامرتز معاون دادستان دیوان کیفری بین‌المللی تصدی این پست را در ژانویه ۲۰۰۶ عهده‌دار شد.

شدند. نتیجه مذاکرات اخیر تهیه پیش‌نویس موافقتنامه میان سازمان ملل متحد و دولت لبنان و اساسنامه دادگاه مزبور بود که به نخست وزیر لبنان فؤاد سینیورا و وزیر دادگستری این کشور تحویل شد. موافقتنامه اخیر به تصویب شورای امنیت و امضای دولت لبنان رسید اما برای تأسیس و آغاز به کار دادگاه یا به عبارتی تأمین مبنای حقوقی آن یک گام باقی بود؛ تصویب موافقتنامه توسط مجلس لبنان که به سبب عدم وفاق در میان احزاب دارای کرسی، این گام نهایی برداشته نشد. دولت لبنان برای جلوگیری از به بن‌بست رسیدن تلاش‌های اخیر ضمن مکاتبه با دبیرکل ملل متحد درخواست کرد تا تأسیس مرجع مورد نظر به سرانجام رسد.^{۳۲} این درخواست مورد موافقت قرار گرفت و نتیجه آن قطعنامه پر مناقشه ۱۷۵۷ شورای امنیت ملل متحد بود که طبق فصل هفتم منشور صادر گردید؛ از یک سو پاره‌ای از بر پا شدن این محاکمه در یک دادگاه بین‌المللی انتقاد کرده و آن را امری داخلی دانسته و بر این باور بودند که تأسیس یک دادگاه بین‌المللی تنها به معنای جهت بخشی به اهداف ایالات متحد در لبنان و منطقه خاورمیانه خواهد بود و نتیجه‌ای جز سیاسی کردن حقوق بین‌الملل در پی نخواهد داشت، اما از سویی دیگر عده‌ای این رخداد را رضایت بخش قلمداد کرده و به این ترتیب امید بیشتری به برگزاری محاکمه‌ای عادلانه و بازگشت صلح به منطقه یافتند.^{۳۳} بدین ترتیب انجام محاکمه عاملان جنایت ۱۴ فوریه به یک دادگاه بین‌المللی و بیرون از خاک لبنان واگذار شد. این قطعنامه با ۱۰ رأی مثبت و ۵ رأی ممتنع اعضای شورای امنیت ملل متحد در ۳۰ مه ۲۰۰۷ به تصویب رسید^{۳۴} و دربرگیرنده توافقنامه میان دولت لبنان و سازمان ملل متحد می‌باشد و اساسنامه دادگاه نیز به آن پیوست شده است. اما بر خلاف سایر قطعنامه‌هایی که در این ارتباط صادر شده، قطعنامه ۱۷۵۷ دولت‌ها را به صراحت موظف نمی‌کند تا در اجرای آن نقشی ایفا کنند که این امر تا حدی اجرای قطعنامه اخیر را با مشکل روبه‌رو می‌سازد؛ برای نمونه در صورت یافت شدن متهم در سایر کشورها، برابر قطعنامه آنها موظف به استرداد وی به دادگاه ویژه لبنان نخواهند بود.^{۳۵} به دیگر عبارت همکاری دولت‌ها با این دادگاه بستگی به تابعیت متهم دارد به ویژه زمانی که قانون کشور متبوع آنها تعهدی مبنی بر

32. "Special Tribunal For Lebanon, Security Council Resolution 1664" available at: [http://www.globalpolicy.org/intljustice/lebanindex.htm\(2009/04/01\)](http://www.globalpolicy.org/intljustice/lebanindex.htm(2009/04/01))

33. "International Law Blog Position, Special Tribunal for Lebanon" available at: [http://www.insidejustice.com/law/index.php/int2009/03/03/special_tribunal_lebanon\(2009/04/02\)](http://www.insidejustice.com/law/index.php/int2009/03/03/special_tribunal_lebanon(2009/04/02))

34. کشورهای موافق عبارت بودند از: امریکا، بریتانیا، کبیر، فرانسه، بلژیک، غنا، کنگو، اسلواکی، پرو و ایتالیا و کشورهای اندونزی، روسیه، چین، تایلند و آفریقای جنوبی رأی ممتنع دادند. دلیل عمده این کشورها در امتناع از دادن رأی مثبت به تأسیس دادگاه ویژه توسط سازمان ملل متحد آن بود که با این اقدام اولاً در امور کشور لبنان مداخله می‌شود، در ثانی با این عمل کمکی به بازگرداندن ثبات به این کشور نمی‌شود و حتی به عدم ثبات در این کشور هر چه بیشتر دامن می‌زند.

35. محمد ظهیرالصدیق، مأمور سابق اطلاعات که در حال حاضر به عنوان نخستین مظنون به دادگاه ویژه لبنان تحویل داده شده است، پیش از این یک بار در پاریس در سال ۲۰۰۵ دستگیر شد اما از استرداد وی به کشور لبنان برای محاکمه اجتناب شد.

تحویل آنها به دادگاه و یا محاکمه آنها به لحاظ اعطای مصونیت قانونی نداشته باشد. از این روست که در نگاه نخست نمی‌توان چندان خوشبینانه به ضرورت همکاری سایر کشورها با این دادگاه نگریست.

از سوی دیگر هم قطعنامه اخیر و هم اساسنامه دادگاه ویژه در مورد اینکه آیا این دادگاه نسبت به دادگاههای سایر کشورها اولویت دارد یا خیر ساکت است. موضوع اخیر از این بابت اهمیت دارد که دادگاههای پاره‌ای از کشورها تحقیقات و اقدامات لازم برای کشف حقیقت را انجام داده‌اند. برای نمونه در مورد سمیر کسیر که در ژوئیه ۲۰۰۵ بنا به درخواست خانواده‌اش پاره‌ای اقدامات حقوقی در فرانسه انجام شد، چرا که وی از تابعیت مضاعف لبنانی - فرانسوی برخوردار بود.^{۳۶}

با وجود این در پاره‌ای معاهدات بین‌المللی در بر دارنده مسائل تروریسم از جمله کنوانسیون ایمنی کارمندان سازمان ملل متحد و یا پاره‌ای از قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد از قبیل قطعنامه‌های ۱۵۹۵ و ۱۶۳۶ موجود است که بر آن مبنا دولتها موظف به همکاری در استرداد متهم به ارتکاب تروریسم، تعقیب وی و یا انجام هر گونه تحقیقات در این زمینه شده‌اند.

۲-۲- ماهیت و موقعیت دادگاه ویژه در نظام قضایی لبنان

همانطور که از نام دادگاه ویژه لبنان پیداست، این دادگاه یک مرجع خاص است و بخشی از نظام قضایی لبنان به شمار نمی‌آید و در رسیدگی نسبت به سایر دادگاههای موجود در خاک لبنان اولویت دارد. در اساسنامه پیش‌بینی شده که دولت و نظام قضایی لبنان موظف هستند که با این دادگاه همکاری نمایند به ویژه اینکه برابر بند ۲ ماده ۴ اساسنامه تا زمان تأسیس و انجام هر گونه محاکمه در آن، کلیه تحقیقات و اقدامات لازم انجام گرفته توسط نظام قضایی لبنان، باید ظرف ۲ ماه در اختیار دادگاه ویژه قرار داده شود. همچنین دولت لبنان مکلف شده که در تمامی مراحل دادرسی دادگاه امکان دسترسی فوری به کلیه اشخاص و اسناد مورد نیاز را فراهم آورد.

از سویی دیگر همانطور که پیش از این نیز به تفصیل گفته شد، دادگاه ویژه لبنان یک مرجع بین‌المللی است که بنا به درخواست دولت لبنان تأسیس یافته است. چنین درخواستی حاکی از پذیرش رویه و نظام قضایی بین‌المللی نزد این دولت است؛ همانا به نظر می‌رسد که دولت لبنان با درخواست برای رسیدگی به جنایت ۱۴ فوریه در این دست مراجع به دنبال تضمینی برای رعایت اصول دادرسی عادلانه و اجرای عدالت کیفری است. برابر اساسنامه و توافقنامه اکثریت قضات، دادستان و مدیر بخش اداری از تابعیت غیرلبنانی (بین‌المللی) برخوردارند که در کنار اقلیتی از قضات لبنانی به خدمت در این دادگاه می‌پردازند که از این حیث با سایر مراجع ترکیبی مشترک است اما تفاوتیابی نیز با آنها دارد:

(۱) هیچ‌یک از دادگاههای مختلط با صدور قطعنامه‌ای در چارچوب فصل هفتم منشور تأسیس

³⁶ Handbook for Special Tribunal for Lebanon, available at: www.ict.org/images/content/9/914.pdf.pp31-32 (2009/04/2)

نشده‌اند در حالی که دادگاه ویژه لبنان با صدور قطعنامه ۱۷۵۷ شورای امنیت و در چارچوب فصل هفتم منشور تأسیس یافته است. ۲) در تشکیل دادگاه‌های مختلط توافق میان سازمان ملل متحد و دولت ذینفع نقش عمده بازی میکند این در حالی است که با وجود حصول توافق میان دولت لبنان و سازمان ملل متحد، توافقنامه مزبور به دلیل اختلافات حزبی، به تصویب مجلس این کشور، نرسید و در واقع مبنای لازم‌الاجرا شدن آن قطعنامه ۱۷۵۷ شورای امنیت ملل متحد می‌باشد. ۳^{۳۷}) برخلاف اکثر دادگاه‌های مختلط مقر دادگاه ویژه لبنان در خاک این کشور یعنی سرزمینی که جنایت موضوع صلاحیت آن، در آن ارتکاب یافته، نیست بلکه در حومه شهر لاهه در هلند قرار دارد.^{۳۸}

از سویی دیگر این مرجع نوعی دادگاه ویژه^{۳۹} نیز هست؛ این قبیل دادگاه‌ها مراجعی هستند که به صورت موقت و با صدور قطعنامه‌ای از جانب شورای امنیت ایجاد می‌گردند. پس از تأسیس دو دادگاه بین‌المللی رواندا و یوگسلاوی سابق این سومین دادگاهی است که با ابتکار عمل شورای امنیت ملل متحد و با صدور قطعنامه در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد، ایجاد گردید. اما دادگاه ویژه لبنان در قیاس با دادگاه‌های نامبرده تفاوتی دارد:

۱) دولت لبنان خود نیز در مذاکرات برای تدوین و تأسیس این دادگاه نقش داشت در حقیقت تصمیم برای به تصویب رساندن و به اجرا گذاردن قطعنامه، با توافق دولت لبنان انجام گرفت و تصمیم سازمان ملل متحد به تنهایی نبود. سبب این امر را باید در به بن بست رسیدن روند تصویب اساسنامه این دادگاه در مجلس لبنان دانست. ۲) شورای امنیت ملل متحد برابر فصل هفتم منشور از قدرت قابل توجهی برای الزام کشورها در جهت همکاری در راستای صلح و امنیت بین‌المللی برخوردار است و از این قابلیت در راستای الزام کشورها به همکاری در به اجرا در آمدن اساسنامه‌های دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا نیز بهره برد، کما اینکه دادگاه‌های اخیر قادر بودند تا عدم همکاری سایر دولت‌ها را به این نهاد مقتدر گزارش کنند. گرچه عده‌ای بر این باورند که قطعنامه ۱۷۵۷ تنها منجر به لازم‌الاجرا شدن توافقنامه میان سازمان ملل متحد و دولت لبنان و اساسنامه دادگاه شده است و تنها دولت لبنان را ملزم به اجرای آن و همکاری با سازمان ملل متحد می‌کند بی‌آنکه مبتنی بر الزام سایر کشورها به همکاری در اجرای آن باشد. ۳) دادگاه‌های نامبرده نسبت به تمام دادگاه‌ها در میان کشورهای جهان حق تقدم در رسیدگی دارند در حالی که در بند ۱ ماده ۴ اساسنامه تصریح شده که دادگاه ویژه لبنان تنها از تقدم در رسیدگی نسبت به دادگاه‌ها در لبنان برخوردار است و به اولویت آن در رسیدگی در دادگاه‌های سایر کشورهای جهان اشاره‌ای نشده است. ۴) بودجه دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا از طریق

37. Handbook for Special Tribunal for Lebanon, *op. cit.*, pdf, pp. 35-36 (2009/04/02)

38. تنها استثنا در میان دادگاه‌های مختلط در این خصوص مقر دادگاه سیرالئون است که به دلایل امنیتی در لاهه واقع شده است.

39. *ad hoc*

سازمان ملل متحد تأمین می‌گردد. این بودجه با مشارکت اعضای سازمان ملل فراهم می‌گردد در حالی که ۵۱ درصد بودجه دادگاه ویژه توسط کشورهای داوطلب پرداخت می‌گردد و ۴۹ درصد باقیمانده توسط دولت لبنان تقبل شده است.^{۴۰}

اما آنچه که این دادگاه بین‌المللی را با سایر مراجع بین‌المللی اعم از دیوان کیفری بین‌المللی ویژه یا مختلط کاملاً متمایز می‌سازد صلاحیت موضوعی آن است که برابر ماده ۱ اساسنامه مشخصاً به رسیدگی به جنایت تروریسم اختصاص یافته است، حال آنکه صلاحیت موضوعی تمامی مراجع پیش‌گفته مختص به رسیدگی به جنایات بین‌المللی نظیر نسل‌زدایی است. بنابراین از این حیث دادگاه ویژه لبنان پدیده‌ای نوین در ادبیات حقوق بین‌الملل کیفری است هم در جهان و هم در میان کشورهای منطقه که روزانه با ترور و اعمال تروریستی دست و پنجه نرم می‌کنند. دادگاه ویژه لبنان صلاحیت رسیدگی به جنایت عاملان ترور رفیق حریری و ۱۴ تن دیگر را در این حادثه دارد که البته امکان گسترده شدن آن به ترورهای ارتکاب یافته در فاصله زمانی میان اول اکتبر ۲۰۰۴ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ در صورتی که از لحاظ شدت و وخامت مشابه با ترور ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ باشد، نیز در اساسنامه پیش‌بینی شده است.

۳-۲- ساختار و تشکیلات دادگاه ویژه لبنان

مواد (۷) و (۸) اساسنامه به ساختار و تشکیلات دادگاه ویژه لبنان اختصاص دارد.^{۴۱} این دادگاه از چهار بخش تشکیل یافته است که عبارتند از:

۱- شعب دادگاه که خود مرکب از سه قسمت رسیدگی مقدماتی، رسیدگی بدوی و رسیدگی فرجامی است. در مرحله رسیدگی مقدماتی با حضور یک قاضی بین‌المللی و مرحله بدوی با حضور ۲ نفر از قضات بین‌المللی و ۱ نفر قاضی با تابعیت لبنانی و در مرحله رسیدگی فرجامی نیز با حضور ۳ قاضی بین‌المللی و ۲ قاضی لبنانی آغاز به کار می‌شود.^{۴۲}

همانند سایر مراجع بین‌المللی قضات این دادگاه نیز باید از عالی‌ترین فضائل اخلاقی بهره‌مند باشند و در عین حال از تجارب کافی در زمینه محاکمات بین‌المللی برخوردار باشند. در ارتباط با نحوه انتخاب قضات میان قضات بین‌المللی و لبنانی تفاوت وجود دارد؛ ۷ قاضی بین‌المللی توسط دبیرکل ملل متحد از میان نامزدهایی که به وسیله اعضای ملل متحد معرفی شده‌اند و یا افراد واجد صلاحیت برگزیده خواهند شد و ۴ قاضی لبنانی دیگر از میان فهرست ۱۲ نفره که با همکاری میان شورای عالی لبنان و دولت تهیه شده و به دبیرکل ملل متحد ارائه گردیده است، برگزیده خواهند شد. دوره خدمت قضات سه سال خواهد بود و قابل تمدید می‌باشد.^{۴۳}

40. Handbook for Special Tribunal for Lebanon, *op. cit.*, pp. 36-37 (2009/04/02)

^{۴۱} برای مطالعه بیشتر اساسنامه به این وب‌سایت مراجعه نمایید: <http://www.stl-tsl.org>

^{۴۲} قسمتهای الف، ب و ج بند (۱) ماده (۸).

^{۴۳} بند (۳) ماده (۹) اساسنامه.

۲- دادستانی که مشتمل بر یک دادستان بین‌المللی و معاون او خواهد بود که با مشورت و همکاری دبیرکل ملل متحد و دولت لبنان برای دوره سه ساله منصوب خواهند شد.^{۴۴} این افراد نیز باید از عالی‌ترین فضائل اخلاقی و از تجارب کافی در زمینه محاکمات و دادرسیهای کیفری برخوردار باشند. دادستان مأمور تحقیق و تعقیب کلیه کسانی است که متهم به ارتکاب جرایم تحت صلاحیت این دادگاه می‌باشند. ریاست دادگاه را آنتونیو کاسسه به عهده دارد، دادستان دادگاه نیز دنیل بلمار می‌باشد که هر دو از سابقه خدمت در مراجع بین‌المللی از جمله دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، برخوردارند.

۳- بخش اداری که شامل یک مدیر و تعدادی کارمند است. مدیر توسط دبیرکل ملل متحد برگزیده خواهد شد کارمندان ضرورتاً باید از اعضای ملل متحد باشند. این بخش مسئول ارائه خدمات اداری به دادگاه است. دوره خدمت در این بخش نیز سه سال است. مدیر مکلف است واحد حمایت از شهود و قربانیان را به جهت تأمین امنیت جسمی و روانی ایجاد نماید و کلیه اقدامات ضروری را با هدف مراقبت از کسانی که به هنگام شهادت شهود در معرض تهدید قرار می‌گیرند، به عمل آورد.^{۴۵}

۴- دفتر دفاع که جهت تأمین اصل برابری سلاحها ایجاد شده، مسئول ارائه خدمات به متهم است. بدین ترتیب که فهرستی از مشاوران حقوقی و وکلای مدافع را در اختیار متهم می‌گذارد. همچنین کلیه خدماتی را که جهت انجام دفاع ضروری است، در اختیار وکلای مدافع قرار می‌دهد. ریاست این دفتر توسط دبیرکل ملل متحد با مشورت ریاست دادگاه تعیین خواهد شد.^{۴۶} در کنار بخشهای مختلف نامبرده این دادگاه، یک کمیته مدیریت نیز با مشورت و توافق سازمان ملل متحد و دولت لبنان پیش‌بینی شده که وظایفی از جمله ارائه راهنمایی و سیاستگذاری در امور غیرقضایی و بررسی و تصویب بودجه سالانه دادگاه را به عهده دارد.

۴-۲- حداقل تضمینات برای انجام محاکمه عادلانه برابر اساسنامه دادگاه ویژه لبنان

از جمله تدابیری که در جهت حفظ استقلال دادگاه و عادلانه بودن محاکمه در آن در نظر گرفته شده است می‌توان به اصل مسؤولیت فردی کیفری در ماده ۳، اصل منع محاکمه مجدد در ماده ۵ به کار گماردن اکثریت قضات و دادستان از میان قضات بین‌المللی در کنار قضات لبنانی، اصل بی‌طرفی در بند ۲ ماده ۱۱ پیش‌بینی بخش اداری و دفتر دفاع به ترتیب در مواد ۱۲ و ۱۳، حقوق مظنونین و متهمان از جمله به رسمیت شناختن حق سکوت در بند ۲ ماده ۱۵ و یا اصل برائت در بند ۱ آن، پرهیز از تأخیر ناروا در جریان رسیدگی در بند ۳ ماده ۱۶ و حقوق قربانیان در ماده ۱۷، منع محاکمه غیابی در ماده ۲۲، امکان تجدیدنظرخواهی و اعاده دادرسی به ترتیب در مواد ۲۶

^{۴۴} بند (۲) و (۳) ماده (۱۱) اساسنامه.

^{۴۵} ماده (۱۲) اساسنامه.

^{۴۶} ماده (۱۳) اساسنامه.

و ۲۷، پیش‌بینی امکان تخفیف مجازات و یا بخشش در ماده ۳۰ اساسنامه، استقرار دادگاه در بیرون از لبنان در حومه شهر لاهه - به جهت تضمین امنیت و هرچه کارآمدتر بودن دادگاه - در ماده ۸ توافقنامه و مصونیت قضایی دادستان، قضات و وکلای مدافع به ترتیب برابر مواد ۱۲ و ۱۳ توافقنامه نام برد.^{۴۷}

۵-۲- نظام مجازاتها در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان

نکته قابل توجه این که قانون حاکم بر روند دادرسی دادگاه تابع نظام کیفری کشور لبنان می‌باشد که برابر آن اعمال تروریستی و جرایم علیه اشخاص جرم‌انگاری گردیده^{۴۸} و مجازات اعدام نیز در این نظام به رسمیت شناخته شده است. با وجود این در این دادگاه امکان اعمال چنین مجازاتی وجود ندارد و برابر رویه موجود در سایر محاکمات کیفری بین‌المللی حداکثر میزان مجازات حبس ابد خواهد بود^{۴۹} که در یکی از کشورهای داوطلب بنا به تشخیص رئیس دادگاه به موقع اجرا گذارده خواهد شد.^{۵۰} به این ترتیب اصل قانونی بودن جرم با اعمال قانون داخلی لبنان به موقع اجرا گذاشته خواهد شد گرچه در راستای اجرای اصل قانونی بودن مجازات رویه بین‌المللی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

نتیجه‌گیری

از نقاط عطف سالهای پایانی قرن بیستم و سالهای آغازین قرن بیست و یکم، تأسیس پی در پی محاکم کیفری بین‌المللی است که سرانجام در سال ۱۹۹۸ با تدوین سند رم و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی شکلی تکامل یافته به خود گرفت و در سال ۲۰۰۲ با لازم‌الاجرا شدن آن سند، نضج یافت. اما هرچه گذشت حقوق بین‌الملل کیفری مرزها را به تدریج درنوردید و ضرورتها و دستاوردهای حاصل از آن بیش از پیش مورد توجه کشورهای جهان قرار گرفت.

اقدام به تأسیس دادگاههایی از جمله آنچه در عراق رخ داد، گرچه در نوع خود به ویژه در میان کشورهای خاورمیانه بدیع و بی‌همتاست اما به یقین بهای چنین بدعتی نیز واجد اهمیت است. پیداست که هدف از بنیان نهادن حقوق بین‌الملل کیفری انجام یک دادرسی عادلانه است که جهت نیل به این هدف باید ابزار تحقق آن نیز، که همانا اصول مسلم و مورد توجه حقوق بشر است، رعایت گردد. اعدام صدام حسین بی‌آنکه اصول دادرسی عادلانه پیش‌بینی شده در

^{۴۷} همانطور که پیش از این اشاره شد قطعنامه ۱۷۵۷ متضمن توافقنامه میان دولت لبنان و سازمان ملل متحد است که اصول و مبانی مورد نظر در اساسنامه بر پایه آن ریخته شده اما لزوماً تمامی مواد توافقنامه از جمله مقر دادگاه در آن تصریح نگردیده، بنابراین از هر کدام به تفکیک سخن به میان آمده است.

^{۴۸} ماده (۲) اساسنامه.

^{۴۹} ماده (۲۴) اساسنامه.

^{۵۰} ماده (۲۹) اساسنامه.

اساسنامه آن عینیت یابد، قابل توجیه نبود. تدوین اساسنامه دادگاه عالی کیفری عراق با لحاظ کردن اصول نامبرده و مورد عنایت محاکمات کیفری در جهان، از یک سو قابل ستایش است اما بهره‌برداری سیاسی از این رکن قضایی و از چنین محاکمه‌ای تاریخ‌ساز، قابل نکوهش بود. در این ارتباط نمی‌توان از سهم قابل توجه سازمان ملل متحد به خصوص شورای امنیت چشم پوشید که سالها اقدامات دولت بعث را تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی قلمداد کرده، بر این کشور اعمال تحریم نموده و آن را به ویژه پس از حمله به کویت از صدور قطعنامه‌های پی در پی فصل هفتم بی‌بهره نگذارده اما به همین اندازه بسنده کرده و در عمل هیچ مشارکتی در تمهید محاکمه‌ای عادلانه ننموده است، که جای بسی شگفتی و ایراد است. مگر نه اینکه آنچه در تأسیس دادگاههای کیفری بین‌المللی در رواندا و یوگسلاوی روی داده، اقدامی در راستای اعاده صلح و امنیت بین‌المللی بوده و یا آنچه در میان سازمان ملل متحد و پاره‌ای دولتهای جهان در شکل و ماهیت توافقنامه‌ای به جهت ایجاد دادگاههای نسل سوم یا ترکیبی رخ می‌دهد گویای تعامل جدیدی میان نظام حقوق بین‌الملل کیفری و نظامهای کیفری داخلی است، تا به گونه‌ای شایسته تناقضات میان این دو نظام را اگر نه به بهترین شکل اما حداقل به ممکن‌ترین شکل آن مرتفع سازد و اصول مورد توجه حقوق بین‌الملل کیفری را در فراسوی مرزها، عینیت بخشد، پس چگونه است که سازمان ملل متحد در مورد عراق کشوری که دولتش سالها به تصریح در قطعنامه‌های شورای امنیت تهدیدی علیه صلح و امنیت در جهان بوده است، از تمهیدات مشابه بهره‌برداری نکرد؟ باید ادعان داشت با حاکم شدن جو سیاسی محاکمه و محور و ملاک قرار دادن امکان اعمال مجازات اعدام برای فاصله گرفتن از محاکمه در مرجعی بین‌المللی و مورد تأیید سازمان ملل متحد، با حربه قرار دادن نظام مجازاتها در قانون کیفری عراق، این مهم آن‌چنان که شایسته بود، فراهم نگردیده است؛ صدام به جنایت علیه بشریت در جریان حملات به شیعیان ساکن دجله محکوم شد و برابر بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه حکم صادره باید ظرف ۳۰ روز به موقع اجرا گذارده می‌شد. بدین ترتیب اتهام صدام در جریان محاکمه دوم یعنی رسیدگی به جنایت نسل‌زدایی انفال با اعمال مجازات اعدام، ساقط شد و رخصتی برای رسیدگی به جنایت جنگی در طول دو جنگ عراق علیه کویت و ایران نماند.

دادگاه ویژه لبنان پدیده نوظهور دیگری است که هم در خاورمیانه و هم در جهان از چند جهت، نقطه عطفی به شمار می‌رود؛ (۱) نخستین مرجع بین‌المللی است که برای رسیدگی به جنایت تروریسم اختصاص یافته است، (۲) دادگاهی است که با مداخله شورای امنیت بنا به درخواست دولت لبنان و به دلیل ناکام ماندن روند حقوقی برای ایجاد آن در رکن قانون‌گذار این کشور بنا نهاده شد، (۳) از جنس دادگاههای مختلط است بنابراین ترکیبی از قضات و قوانین بین‌المللی و کشور لبنان می‌باشد که بر پایه توافق دولت لبنان با سازمان ملل متحد ایجاد گردیده است.

بر خلاف دادگاه عالی کیفری عراق، سازمان ملل متحد نقشی بسیار گسترده در مورد این

دادگاه بازی می‌کند، از یک سو از زمان ترور رفیق حریری و ۲۲ تن دیگر در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ تا تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب و حتی در نهایت پیشنهاد تأسیس دادگاه از جانب دولت لبنان حتی پس از اختلافات داخلی مجلس این کشور قدم به قدم با دولت این کشور پیش رفت تا پرده از ابهام با ایجاد مبانی یک دادرسی عادلانه برداشته شود. گرچه صدور قطعنامه ۱۷۵۷ شورای امنیت بنا به باور عده‌ای مداخله در امور داخلی این کشور قلمداد می‌شود، اما باید توجه داشت که شورای امنیت در چارچوب فصل هفتم منشور، قطعنامه اخیر و سایر قطعنامه‌های مرتبط را صادر نموده، بنابراین کاملاً دولت لبنان را ملتزم به اجرای آن می‌نماید به ویژه این که عدم وفاق احزاب لبنان بر سر تصویب توافقنامه منعقد شده میان سازمان ملل متحد و دولت این کشور برای محاکمه عاملان ترور مذکور به قدری جدی و مداوم بوده که فرجامی روشن برای آن به نظر نمی‌رسیده است. با عنایت به این که در جریان تحقیقات کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یاب مقامات ارشد کشور سوریه نیز در ارتکاب این ترور دست داشتند و جنایت اخیر در ردیف جنایات مورد توجه افکار عمومی در جهان است، به نظر می‌رسد رسیدگی به آن یک امر صرفاً داخلی نباشد تا مورد اعتراض پاره‌ای صاحب‌نظران قرار بگیرد. بدین ترتیب دولت لبنان تلاش نموده تا از یک سو مبنای حقوقی این دادگاه را عینیت بخشد و از طرف دیگر از انجام نشدن و یا به تأخیر افتادن این محاکمه جلوگیری نماید. شایان ذکر است از آنجا که غالباً در ارتکاب جنایات بین‌المللی و یا حتی اعمال تروریستی، یا دولتمردان و یا گروه‌های شبه نظامی نقش دارند، محاکمه در یک مرجع ملی همواره این مخاطره را به همراه دارد که اگر مسؤول ارتکاب چنان جنایاتی دولتمردانند، از سر ملاحظه و سهل‌گیری انجام گیرد و اگر متهم افراد و یا گروه‌های مخالف دولت حاکم باشند در نهایت خشونت و به بهای نادیده گرفتن اصول یک دادرسی عادلانه و به دور از انضباطی که در عدالت کیفری مورد نظر است، انجام گیرد. همانا محاکمه صدام حسین از چنین نواقصی به دور نبود. چه بسا در چنین شرایطی تا به امروز انجام گرفتن محاکمات در یک مرجع بین‌المللی و به دور از حب و بغضهایی از این قبیل بهترین راه حل باشد، به ویژه در ارتباط با ارتکاب جنایاتی نظیر اعمال تروریستی که برخلاف جنایات بین‌المللی نظیر نسل‌زدایی، تعریف و اجماعی بر سر آن در جامعه بین‌المللی صورت نگرفته و بیشتر تعاریف در قالب محلی و ملی می‌گنجد.^{۵۱} احتمال انجام محاکمه‌ای به دور از استانداردهای مورد توجه حقوق بین‌الملل کیفری که با معیارهای حقوق بشر گره خورده و به هیچ روی جدا و فارغ از آن نیست، به بهانه لازم‌الاجرا بودن حقوق داخلی بسیار بالاست. بنابراین در چنین شرایطی چگونه می‌توان پذیرفت که محاکم بین‌المللی ملزم به حقوق بشر و اصول مورد توجه ادبیات حقوق بین‌الملل کیفری نباشند؟ سازمان ملل متحد حمایت از حقوق بشر را به صلح و امنیت بین‌المللی پیوند زده است و دادگاه‌های ویژه تأسیس

^{۵۱} برابر مطالعه‌ای که ارتش ایالات متحد در سال ۱۹۸۸ در این ارتباط انجام داده است، بیش از ۱۰۰ تعریف از

تروریسم در جهان وجود دارد. برای مطالعه بیشتر، نک:

<http://en.wikipedia.org/wiki/terrorism>

کرده تا به موارد نقض عمده حقوق بشر و بشردوستانه بین‌المللی رسیدگی کند. مگر می‌توان حقوق بشر را جز با حقوق بشر حمایت کرد؟ اساساً تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای مشارکت در تأمین صلح از طریق عدالت به ویژه در وضعیت‌هایی که نظام‌های ملی فرو پاشیده‌اند و یا به دلایل دیگری در دسترس نیستند، پدید آمده‌اند.^{۵۲} با توجه به پیشینه روابط نه چندان دوستانه و حتی در پاره‌ای موارد خصمانه میان لبنان و سوریه، چگونه انتظار می‌رفت که میان آن دو در کشف حقیقت همکاری شود؟ حال آنکه از سویی با قطعنامه‌های ۱۷۵۷ و ۱۶۳۶ که در چارچوب فصل هفتم منشور صادر شده‌اند، کشوری که به تعهد خود عمل نکند، با ضمانت اجرای سنگینی چون تحریم‌های ملل متحد مواجه خواهد شد، وانگهی همواره حساسیت بر مراجع بین‌المللی به جهت احترام و اجرای اصول مورد توجه حقوق بین‌الملل، بیشتر بوده است و از سوی دیگر چه بسا همکاری سوریه با دادگاه ویژه لبنان می‌تواند آغاز نوعی اعتمادسازی را در روابط سوریه با لبنان، امریکا و سایر کشورهای جهان، کلید بزند.

سخن آخر آنکه تأسیس دو دادگاه نامبرده برای رسیدگی به جنایات بزرگ بین‌المللی و اعمال تروریستی که قربانیان آن را مردم خاورمیانه تشکیل می‌دهد، نویدبخش آتیه‌ای روشن است. گرچه اصول حقوق بین‌الملل کیفری با حقوق بشر در هم تنیده شده‌اند، حقوق بشری که بنا به جهاتی از جمله اینکه خاستگاهش غرب است و به نیازها و باورهای جوامع اسلامی کمتر وقعی می‌گذارد در کشورهای اسلامی مانند لبنان و عراق به آن، به دیده تردید می‌نگرند، اما از یک سو جهان و به ویژه غرب در محاکمه جنایتکاران بزرگ پیشرو بوده و تجارب بیشتری در این راه توشه خود کرده است، این امر تا حدودی بدیهی است و دال بر ضرورت توجه و مشارکت سایر کشورها از جمله کشورهای اسلامی در این راستاست و از سوی دیگر باید پذیرفت که هدف عمده حقوق بین‌الملل کیفری در تمام نقاط جهان تأمین و تضمین یک محاکمه عادلانه است نه مصلحت‌گرایی فردی و اجتماعی که متأثر از چنین مرزبندی‌های سیاسی میان کشورهای غربی و شرقی و اسلامی و غیر آن باشد که این واقعیت حاکی از ضرورت پذیرش اصول دادرسی عادلانه و نیاز به مطالعه و به کار بستن حقوق بین‌الملل کیفری در میان کشورهای خاورمیانه به ویژه کشورهای اسلامی هم هست چه بسا در این نقطه از جهان سالهاست که ترور و جنایتهای بین‌المللی قربانی می‌گیرد بی‌آنکه با انجام کوششی در راستای برپایی محاکمه‌ای عادلانه از حقایق آن پرده برداشته شود و بدین ترتیب گامی به پیش در جهت بازگرداندن نظم و امنیت به منطقه برداشته شود، انتظاری که اکنون، با برپایی دو محاکمه پیش گفته، برای تعقیب و محاکمه عاملان ترور احمد شاه مسعود در افغانستان و بی‌نظیر بوتو در پاکستان چندان دور از ذهن نمی‌نماید.

فهرست منابع و مآخذ

اردبیلی، محمد علی، حقوق بین‌الملل کیفری، گزیده مقالات، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۵.

^{۵۲} مصطفی فضائلی، پیشین، ص ۴۸۴.

تاورنیه، پل، «مسأله مشروعیت توسل به زور علیه عراق توسط ایالات متحده امریکا» ترجمه دکتر هادی وحید، مجله حقوقی، نیمسال دوم، ۱۳۸۵، شماره ۳۵.

رمضانی، مرتضی، «بررسی نظام قضایی عراق»، دیدگاهها و تحلیلهای، تیرماه ۱۳۸۳، شماره ۱۸۱.

فضائی، مصطفی، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۷.

مظفریان، یلدا، «بررسی محاکمه صدام حسین از دیدگاه حقوق بین‌الملل کیفری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، بهار ۱۳۸۷.

میرشمس شهبهانی؛ مانده، «صلاحیتها و مجازاتها در دادگاه عالی کیفری عراق: از تأسیس دادگاه تا اعدام صدام» مجله پژوهشهای حقوقی، نیمسال دوم، ۱۳۸۵، شماره ۱۰.

Handbook for Special Tribunal for Lebanon, available at: www.ict.org/imagees/content/9/914.pdf

<http://en.wikipedia.org/wiki/terrorism>

<http://www.globalpolicy.org/intljustice/lebanindex.htm>

<http://www.stl-tsl.org>

International Law Blog Position, Special Tribunal for Lebanon, available at:

http://www.insidejustice.com/law/index.php/int2009/03/03/special_tribunal_lebanon

Judging Dujail: The First Iraqi Trial before Iraqi High Tribunal VI-The Role of International Advisers,

available at: <http://www.hrg.org/reports/iraq1106/6.htm>

Judging Dujail: The First Trial before Iraqi High Tribunal-Procedural Concerns IV-The defendants right's to be informed of charges, available at: <http://www.hrw.org/reports/iraq1106/4.htm>

Judging the Dujail First Trial before The Iraqi High Tribunal IV-Procedural concerns in The Conduct Of The Trial-concerns affecting independency and impartiality of the tribunal, available at:

<http://www.hrw.org/reports/2006/iraq/1106/5.htm>

P Ssharf, Michael "Lessons from The Saddam Trial-guarantee better security" available at:

http://www.law.case.edu/saddamtrial/entry.asp?entry_id=14

Special Tribunal for Lebanon, Security Council Resolution 1664" available at:

Schabas, William, *The Abolition of the Death Penalty in International Law*, Cambridge University Press, Third edition, 2002.

The Iraqi Special Tribunal: A Corruption Of Justice IST is illegal because it is based on illegal war of aggression, Clark Ramsey, Curtis FJ Doebler, available at: <http://www.acenter.org/iraq/Hussein-5-to-2006.htm>

JOURNAL OF

LEGAL RESEARCH

VOL. IX, No. 1

2010-1

Articles

Claim Description in the Law and Judicial Practice • Fundamental Principles of UNCITRAL Electronic Communications Convention • Social Security Components in Criminal Laws • Recognition in International Law: Legal Effects of Recognition of Kosovo, South Ossetia and Abkhazia • Principles of Conflict of Evidences • The Effects of the International Criminal Law in the Middle-East; from the Saddam's Trial to the Hariri's Accused Prosecution

Special Issue: The Stock Exchange (Some Considerations on the Law of Iran and other Countries)

Fundamentals of Obligation for Providing Information to Stock Exchange • Comparative Study of Prohibitions of Insider in Securities Dealing in E.U., English, French and Iranian Laws • Some Considerations on the Offense of Insider Trading • Combating the Securities Fraud in the Stock Exchange (The Case of the U.S.) • Some Considerations on Judgments about the Insider Trading in the Stock Exchange • The Stock Broker Liability and the Process of Bringing the Case before the Proper Forum • The Liability of Brokers for the Unauthorized Transaction of Securities in the Approach of Arbitration Board • Sukuk's Rule in Financing the Projects and its Rules and Regulations • Arbitration of Disputes in Commercial Paper Market • The Nature and the Jurisdictions of the Board of Arbitration of the Stock Exchange • The Rules Governing the Formation of Public Joint-Stock Companies in light of the Securities Market Act • Legal Consequences of Iran's Accession to WTO on Securities Service • Cross-Border Stock Exchange Mergers: an Illusion or a Reality?

Critique and Presentation

Some Considerations on the "ICJ's Kosovo Advisory Opinion" • Considerations on the Concept of the 'Aggression' in the Review Conference of the Statute of International Criminal Court • Some Critics on the Modern Law of Compulsory Insurance of the Owners of Vehicles 2008 • The Non-Traditional Trademarks • Resolution 1929 of the Security Council: The Challenges of the Power and the Right in a Divided World • The 6th Round of the Moot Court Simulation of the International Criminal Court's Session (2010 Summer and Autumn)

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study